لیلة القدر و اول ماه نوعی در کلام علامه تهرانی

(11:40)

خب این ماه داریه ای دور کره زمین دارد، از مقارنه در میشود و روی آن برچسب زدیم. یک روز وقت شما را گرفتم. برچسب بیست و چهار ساعته زدیم که روشن است. دیروز خواستیم طبق بلاد، شب آنها را برچسب بزنیم. شب اول ماه برای قم، شب اول ماه برای بلاد غربی، شب اول ماه ای آخر ماه برای کابل. دیروز اینها را عرض کردم و مشکلاتی که داشت. خب الآن در اینجا باید چه کار کنیم؟

در مراسلات در موسوعه[d1] اول، در استدلال استادشان بیانی دارند. مرحوم آقای خوئی ذیل «أسأَلُکَ بحقّ هذا الْیوْمِ الذی جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمینَ عیداً» فرمودند که روز عید، یک روز است. و لذا نمیتواند چند روز باشد. ایشان فرمودند نه، خلاصه ما در کره شب و روز داریم و باید درستش کنیم. لذا در آخر کار که نتیجه میگیرند این جور جملهای دارند:

> و إمّا أن نلتزم بأنّ لیلة العید لیست أمراً جزئیاً، و مصداقاً خارجیاً مشخّصاً؛ بل أمرٌ کلّی ینطبق علی مصادیق عدیدة؛ و لکلّ بقعة؛ ویجَدُ فردٌ من هذا الکلّی بمجرّد غروب الشّمس فیها، إلی أن تطلع؛ کما أنّ النهار أمرٌ کلّی، ویجَدُ لکلّ بقعةٍ فردٌ منه بمجرّد طلوع الشّمس فیها، إلی أن تغرب. فإذن لیس العید یوماً خاصّاً محدوداً بین النقطتین المشخّصتین، حتّی یمکن الاستشهاد بها فی المقام؛ بل علی ضوءِ هذا البیان؛ یومٌ طویلٌ جزئی له تعیناتٌ کثیرة؛ أو یوم قصیرٌ کلّی له أفرادٌ عدیدةٌ حسب تعداد النوّاحی و الأصقاع فی جمیع أقطار الأرض....[1]

«... بل أمرٌ کلّی ینطبق علی مصادیق عدیدة»؛ همان نوعیتی که صحبتش شد. یک کلی است که چند مصداق دارد. **«و لکلّ بقعة؛ ویجَدُ فردٌ من هذا الکلّی بمجرّد غروب الشّمس فیها، إلی أن تطلع».**

«فإذن لیس العید یوماً خاصّاً محدوداً بین النقطتین المشخّصتین، حتّی یمکن الاستشهاد بها فی المقام؛ بل علی ضوءِ هذا البیان؛ یومٌ طویلٌ جزئی له تعیناتٌ کثیرة؛ أو یوم قصیرٌ کلّی له أفرادٌ عدیدةٌ حسب تعداد النوّاحی و الأصقاع فی جمیع أقطار الأرض»؛ وقتی روز عید میگوییدی ای روز کوتاه اما نوعی است؛ کلیای است که بارای خودش افرادی را دارد. ای اگر کل کره را در نظر بگیریم یک یوم بیست و چهار ساعته است. روز عید، روز بیست و چهار ساعته است، کما اینکه شب عید یک شب بیست و چهار ساعته است. هر بلدی از این بیست و چهار ساعت سهم خودش را دارد. مثل کلی در معین است؛ صاعٌ من صبرة. یک صبره است که هر کسی از آن سهمی دارد. آن سهم صاعی از صبره است. صاعی از صبره بارای زید است،

صاعی از صبره بارای عمرو است. در اینجا هم در تاریکی شب بیست و چهار ساعتی، سهمی برای قم است، سهمی هم برای شهرهای دیگر است.

بعد از اینکه این را توضیح میدهند، میفرمایند:

> **و علی هذا البیان تبین أیضاً، أنّ الکریمة الواردة فی لیلة القدر، و أنّها خیرٌ من ألف شهر و أنّ فیها یفرق کلّ أمرٍ حکیم، و تکتب فیها البلایا و المنایا و الأرزاق أیضاً کذلک.[2]**

---

[1] اسالة حول رویة الهلال، ص۶۵

[2] همان

[d1]?? ??? ????? 12:23 ?????? ?? ??????? ??? ???? "??????" ????

بازبینی #1
ایجاد شده 29 ژانویه 2026 15:47:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژانویه 2026 15:49:47 توسط ... .